



بررسی های حقوقی

بررسی سهام در شرکتهای سهامی

مقدمه:

از آغاز قرن دوازده میلادی، شرکتهای روبه توسعه نهادند و مخصوصاً بین تجار ایتالیایی رواج یافتند شرکتهای این دوران نیز به جهات زیر با بعضی از شرکتهای بازرگانی کنونی شبیه بوده اند. ۱- هر شریک در مقابل طلبکاران شرکت، مسئولیت تضامنی داشت و از طرف دیان قابل تعقیب بود. ۲- شرکت مکلف بود نام و اساسنامه خود را در سازمان مرکزی که از تجار شهر تشکیل می یافت ثبت نماید و با استقلال مالی شرکت، طلبکاران آن نسبت به اموال شرکت برستانکاران شخصی شرکاء، مقدم بودند.

بدین ترتیب در قرون وسطی، مسئولیت تضامنی و ثبت شرکتهای معمول بوده است.^۱ در فرانسه قوانین مختلفی راجع به تجارت و شرکتهای وضع گردیده که اولین قانون در این زمینه، در سال ۱۶۳۷ میلادی صادر شده است.

امروزه شرکتهای دارای اهمیت بسیاری

شرکت بصورت استفاده از سرمایه و کار از قدیم الایام سابقه داشته است. این نوع مشارکت با دادن سرمایه از طرف شریک و استفاده از کار و فعالیت شریک دیگر، به منظور انتفاع عملی میگردد.

در حقوق رم، شرکتهای مختلف وجود داشتند و شرکت نوعی عقد بود که به تراضی شرکاء منعقد میگردد ولی شرکاء مسئولیت تضامنی نداشتند. قسمی از این شرکتهای با شرکتهای سهامی فعلی مشابهت داشتند زیرا: اولاً، دارائی این شرکتهای بصورت مستقل و جدا از اموال شرکاء مشخص بود. ثانیاً، سهم شرکاء از سرمایه شرکت بصورت حصه و سهام مشاعی وجود داشت و ثالثاً اداره شرکت نیز با نمایندگان بود که در حدود اختیارات خود از طرف شرکت، حق انجام معامله را داشتند.

۱- کریم کیانی، حقوق بازرگانی چاپ سوم، (بی جا: بی نا، ۱۳۵۴) ص ۱۰۴.

ماده (۱) لایحه اصلاحی قانون تجارت (مصوب ۱۳۴۷)، شرکتهای سهامی را چنین تعریف کرده است: شرکت سهامی، شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی آنهاست». همچنین مطابق ماده (۲۴) لایحه مذکور: سهم قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است که مشخص کننده میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می باشد.

ممکن است حاضر نشوند به تنهایی سرمایه خود را در رشته ای از تجارت بکار گیرند.

در قانون تجارت ایران (مصوب ۱۳۱۱) شرکتهای سهامی تعریف و مقررات مربوطه وضع گردیده بود که با تصویب لایحه قانونی اصلاح قانون تجارت (مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴) در مورد شرکتهای سهامی عام و خاص، آن مقررات نسخ گردید. مطابق ماده اول لایحه مذکور، شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی آنهاست. همچنین به منظور رفع این قید که طبق ماده (۳۱) قانون تجارت (مصوب ۱۳۱۱) شرط شرکت سهامی، اشتغال به امور تجاری بود، در ماده (۲) این لایحه تصریح شده به اینکه: «شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب میشود ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد».

شرکت سهامی به دو نوع تقسیم میشود:

۱- شرکت سهامی عام، که مؤسسين آن قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به

می باشد. در نتیجه توسعه روابط و ماشینهای شدن کارها جهت پیشرفت صنعت و تجارت و انجام امور مهم، لزوم جمع آوری سرمایه های کوچک و بزرگ و تمرکز و بکاربردن آن بصورت شرکتهای بازرگانی (مخصوصاً شرکت سهامی) بیش از پیش احساس می شود و میتوان گفت بدون وجود این نوع شرکتهای، فعالیتهای صنعتی و تجاری که در اثر اختراعات و اکتشافات و ترقیات علمی و ماشینی زمان، ملازمه با استفاده از سرمایه های عظیم دارد قابل پیشرفت و بهره برداری کامل نمی باشد و هیچ فردی، هر قدر متمکن و صاحب سرمایه باشد بدون مشارکت و استفاده از سرمایه های اشخاص، به تنهایی قادر به انجام اینگونه امور مهم که اقدام نسبت به آن، تنها از عهده شرکتهای بزرگ ساخته است، نخواهد بود. زیرا اغلب جهت انجام امور تولیدی و صنعتی و فعالیتهای بازرگانی، سرمایه زیادی لازم است که پرداخت آن از عهده یک یا چند نفر خارج است و یا افراد با توجه به خطرات احتمالی

۱- همان، ص ۱۰۵.

۲- توضیح اصطلاح «مبلغ اسمی» را بعداً بیان خواهیم کرد.

مردم تأمین میکنند. ۲- شرکت سهامی خاص، که تمام سرمایه آن در موقع تأسیس منحصرأ توسط مؤسسين تأمین میگردد. «همچنین مطابق ماده (۲۴) لایحه قانونی در هر دو نوع شرکت فوق الذکر، سهم، قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است که مشخص کننده میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می باشد. بنابراین، هر سهم نمودار یک قسمت از کل سرمایه شرکت است و صاحب سهم از منافع آن استفاده میکند.

هر سهامدار می تواند در مجامع عمومی شرکت، حضور یابد و به تناسب سهمی که دارد، در امور مربوط به اداره شرکت و انتخاب هیئت مدیره و بازرسان، رأی دهد؛ مثلاً، شریکی که دارای یک سهم باشد حق یک رأی و شریکی که پنجاه سهم دارد، حق پنجاه رأی خواهد داشت. ولی گاهی ممکن است که شرکاء حق حضور داشته باشند اما دادن رأی در مجامع عمومی مشروط به داشتن تعدادی از سهام باشد؛ مثلاً، در اساسنامه مقرر شده باشد کسی که دارای ده سهم یا بیشتر است حق رأی دارد، در این حالت جهت جلوگیری از تضييع حق صاحبان سهم کمتر، چنین شرکائی میتوانند با یکدیگر متفق شده، یک نفر را از میان خود به منظور دادن رأی معین نمایند.

بموجب قسمت اخیر ماده (۲۴) لایحه مذکور، ورقه سهم، سند قابل معامله ای است

که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت دارد. البته باید دانست که نحوه معاملات در انواع سهام، متفاوت است که در مباحث آتی در این مورد توضیح خواهیم داد.

لازم بذکر است که در شرکتهای غیر سهامی، سهمیه و یا سهم الشرکه متداول است و نمودار حصه هر یک از شرکاء از کل سرمایه می باشد، بدون اینکه اوراق سهامی در برابر آن صادر گردد. به تعبیر دیگر، صدور سهام، مخصوص شرکتهای سهامی می باشد.

الف - شکل، قطعات و مبلغ اسمی سهام

۱- شکل سهام - اوراق سهام باید متحدالشکل و چاپی و دارای شماره ردیف بوده و به امضای لااقل دو نفر (مدیر عامل و یکی از اعضای هیئت مدیره که معمولاً از سهامداران می باشند) که بموجب اساسنامه تعیین میشوند، برسد. همچنین علاوه بر شرایط مزبور، مبلغ اسمی سهام باید متساوی باشد. بطور مثال، اگر سرمایه یک شرکت سهامی عام - /۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال باشد میتوان به /۵۰۰۰ سهم ده هزار ریالی تقسیم نمود، اما فرضاً نمی توان به /۵۰۰۰ سهم پنجاه هزار ریالی و /۲۵۰۰ سهم ده هزار ریالی تقسیم کرد.

مطابق ماده (۲۶) لایحه اصلاحی، نکاتی که در هر ورقه سهم باید قید شود

۱- اصطلاح فرانسوی آن «Action» و اصطلاح انگلیسی آن «Share» می باشد.

صاحب یک سهم شوند و این حداقلی خواهد بود، برای استفاده از مزایای شرکت.^۱

عبارتند از: ۱- نام شرکت و شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکتها ۲- مبلغ سرمایه ثبت

مهمترین موضوع در هر ورقه سهم، مبلغ اسمی آن است، زیرا قیمت اسمی سهم همان است که در ورقه، قید شده است و همان قیمت است که منشاء روابط شرکاء و شرکت و مزایا و عوائد دارنده آن بحساب می آید.

۳- مبلغ اسمی سهام - مهمترین موضوع در هر ورقه سهم، مبلغ اسمی آن است، زیرا قیمت اسمی سهم همان است که در ورقه قید شده و همان قیمت است که منشاء روابط شرکاء و شرکت و مزایا و عوائد دارنده آن به حساب می آید. همچنین مجموع قیمت اسمی سهام سرمایه شرکت را تشکیل می دهد؛ مثلاً، شرکتی که با هزار سهم دو هزار ریالی تأسیس گردد، سرمایه آن دو میلیون ریال می باشد.

باید توجه داشت که ارزش اسمی سهام با ارزش تجارتي آن تفاوت دارد. زیرا، ارزش تجارتي هر سهم بسته به فعالیتی است که شرکت داشته و منافع که سالیانه میدهد. البته شرکتی که در سال به میزان صدی هشتاد سرمایه خود، منفعت داشته باشد با شرکتی که صدی ده، منفعت بدهد فرق دارد و سهام آن به همین نسبت طالب

شده و مقدار پرداخت شده آن ۳- تعیین نوع سهم ۴- مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و عدد ۵- تعداد سهامی که هر ورقه نماینده آن است.

۲- قطعات سهام - هر ورقه سهم ممکن است یک قطعه باشد یا به چند قطعه تقسیم شود و این قطعه بندی سهم، بیشتر در مواردی است که قیمت اسمی سهم، زیاد و قابل توجه باشد که اگر یک نفر نتواند همه سهم را بخرد، بتواند یک یا چند قطعه از آن را خریداری نماید. اما همانطور که در سهام شرط است که مبلغ اسمی در تمام آنها مساوی باشد، در مورد قطعات سهم نیز، ذیل ماده (۳۲) لایحه فوق، تصریح گردیده است که: «قطعات سهام در صورت تجزیه، باید متساوی باشد». بنابراین ممکن است برطبق اساسنامه، هر سهم مثلاً به پنج قطعه تقسیم شود تا اشخاص بتوانند تدریجاً قطعات را خریده تا

۱- با توجه به اینکه قانون اصلاحی تجارتي در ماده (۲۹)، اعلام نموده که در شرکتهای سهامی عام حداکثر قیمت اسمی سهام، ده هزار ریال می باشد و نیز با عنایت به ارزش پول در حال حاضر، شاید عملاً موردی برای تقسیم یک سهم وجود نداشته باشد.

شایان ذکر است که قانون در مورد شرکتهای سهامی خاص، حداقل و حداکثری را برای مبلغ اسمی سهام آنها، تعیین نکرده است.

زیادتری دارد و از همین رو، در بازار گرانتر بفروش میرسد. برعکس، شرکتی که فعالیتی نداشته، بلکه در اثرزینهای وارده، قسمتی از سرمایه آن از بین رفته است، سهام آن در بازار به ارزش اسمی، خریدار ندارد و ناچار به قیمت کمتری فروش میرود. گاهی ارزش اسمی و تجارتي با یکدیگر فرق ندارد؛ در اینصورت گفته میشود که ارزش اسمی سهام با ارزش تجارتي آن، منطبق است^۱. لذا قیمت سهام در بازار سهام، ارزش تجارتي سهام نامیده میشود که ممکن است از ارزش اسمی آن کمتر و یا بیشتر باشد.

مطابق بند (۷) از ماده (۸) لایحه فوق، از جمله نکاتی که ذکر آن در اساسنامه شرکت لازم است، تعیین مبلغ پرداخت شده هر سهم و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مدتی که ظرف آن باید مطالبه شود، می باشد. بنابراین بهای تعهد شده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه از کلیه صاحبان سهام و بدون تبعیض مطالبه شود. حداکثر مهلت پرداخت مبلغ تعهد شده سهام نمی تواند از پنج سال تجاوز نماید. مطالبه مذکور به این طریق خواهد بود که هیئت مدیره، مراتب را در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های

مربوط به شرکت در آن درج میشود، منتشر نموده و مهلت «معقول و متناسبی» جهت پرداخت آن قرار میدهند. در صورت خودداری دارندگان سهام از تأدیه مبلغ پرداخت نشده سهم، مطابق مقررات قانونی با آنان رفتار میشود.^۲

ب - انواع سهام

۱- سهام با نام و نحوه خرید و فروش و واگذاری آن: سهم با نام سهمی است که نام و مشخصات صاحب آن در ورقه سهم و در دفتر ثبت سهام شرکت درج میگردد. طبع شرکت سهامی، با سهام بی نام سازگار است و انتخاب سهام بانام، برای مقاصد خاصی صورت میگیرد؛ مثل آنکه شرکت مایل به شناختن شرکاء خود باشد و یا بخواهد از ورود اشخاص معینی به شرکت جلوگیری نماید.

۲- مطابق ماده (۳۵) لایحه اصلاحی، پس از انقضای مهلت «متناسب»، هر مبلغ که تأدیه نشده باشد نسبت به آن خسارت دیرکرد گرفته میشود و پس از اخطار از طرف شرکت به صاحب سهم و گذشتن یکماه، اگر مبلغ مورد مطالبه و خسارت تأخیر آن تماماً پرداخت نشود، شرکت اینگونه سهام را

۱- محمدعلی عبادی، حقوق تجارت، چاپ پنجم، (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۸) ص ۹۶.

۲- مطابق ماده (۳۵) لایحه اصلاحی، پس از انقضای مهلت «متناسب»، هر مبلغ که تأدیه نشده باشد نسبت به آن خسارت دیرکرد گرفته میشود و پس از اخطار از طرف شرکت به صاحب سهم و گذشتن یکماه، اگر مبلغ مورد مطالبه و خسارت تأخیر آن تماماً پرداخت نشود، شرکت اینگونه سهام را در صورتیکه در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از این طریق به فروش خواهد رسانید و الا از طریق مزایده اقدام به فروش می کند.....

سهام شرکتهای سهامی ممکن است با نام، بی نام، ممتاز، انتفاعی و تضمینی یا وثیقه و به صورت نقدی یا غیر نقدی باشد.

ایران، آمده است: «سرمایه شرکت متعلق به دولت بوده و یکصد میلیون ریال است که به ده هزار سهم ده هزار ریالی بانام تقسیم میشود...»^۲ همچنین ماده (۳۱) قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران، مقرر می‌دارد: «عملیات بیمه در ایران بوسیله شرکتهای سهامی عام ایرانی که کلیه سهام آنها بانام بوده و با رعایت این قانون...»^۳

همانگونه که بیان شد، در حال حاضر، مطابق لایحه اصلاحی قانون تجارت و مندرجات ورقه اظهارنامه جهت ثبت شرکت، سهام شرکت سهامی عام ممکن است بانام و یا بی نام باشد و هیچ محدودیتی در این زمینه وجود ندارد.

در موارد زیر صدور سهام بانام الزامی است:

اول - مادامیکه تمام مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشده باشد، صدور ورقه سهم بی نام یا گواهینامه موقت بی نام ممنوع است. به تعهد کننده این قبیل سهام، گواهینامه موقت بانام داده میشود (ماده ۳۰ لایحه اصلاحی).

در صورتیکه در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از این طریق به فروش خواهد رسانید و الا از طریق مزایده اقدام به فروش می‌کند...

سابقاً، شرکت‌های سهامی، اغلب دارای سهام بی نام بودند و سهام با نام کمتر وجود داشت. ولی در جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸) کشورهای متخاصم در ممالک یکدیگر مبادرت به خرید سهام بی نام به منظور جاسوسی یا اختلال در امر شرکت می‌نمودند. از آن جهت، این قبیل شرکتهای، بیشتر سهام خود را به سهام بانام تبدیل نمودند.

در شرکتهای سهامی گاهی سهام آنها تماماً بی نام و گاهی کلاً بانام و بعضی اوقات تعدادی از سهام بانام و بقیه بی نام است و این موضوع ارتباط با سیاست اقتصادی شرکت دارد. سهام بانام را اغلب اشخاصی تهیه میکنند که کمتر قصد انتقال سهام را دارند.^۱ سهام شرکتهای دولتی بانام است. بطور مثال در ماده (۵) اساسنامه شرکت سهامی نمایشگاههای بین المللی

۱- همان، ص ۸۸.

۲- غلامرضا حجتی اشرفی، مجموعه قوانین و مقررات بازرگانی و تجارتنی، (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۶۳) ص ۴۸۷.

۳- همان، ص ص ۱- ۱۱.

دوم - سهامی که مدیران شرکت جهت تضمین خسارات احتمالی در صندوق شرکت به عنوان وثیقه می‌سپارند، باید سهام بانام بوده و تا خاتمه مفاصاحساب دوره تصدی مدیران، غیر قابل انتقال باشد (ماده ۱۱۴ لایحه اصلاحی).

سوم - سهام محجورین و صغار به منظور حمایت از حقوق آنان اصولاً باید بانام صادر گردد.^۱

اما در مورد نحوه خرید و فروش و انتقال سهام بانام، ماده (۴۰) لایحه فوق چنین مقرر داشته است: «انتقال سهام بانام باید در دفتر ثبت سهام به ثبت برسد و انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضاء کند...». ملاحظه میشود که هرگونه نقل و انتقال سهام بانام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و الاً فاقد اعتبار قانونی برای شرکت و اشخاص ثالث خواهد بود. همچنین تشریفات انتقال به عمل نمی‌آید مگر در صورتیکه صاحب سهم شخصاً یا وکیل او، در مرکز شرکت حاضر و در دفتر ثبت سهام، ستون انتقالات را امضاء و خریدار جدید را معرفی نماید.

قسمت دوم ماده مزبور میگوید: «... در موردیکه تمامی مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است، نشانی کامل گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید و به امضای انتقال گیرنده یا وکیل یا نماینده قانونی او رسیده و از نظر اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال

سهم معتبر خواهد بود. هرگونه تغییر اقامتگاه نیز باید به همان ترتیب به ثبت رسیده و امضاء شود. هرانتقالی که بدون رعایت شرایط فوق به عمل آید، از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است».

بدین ترتیب قانونگذار، منتقل‌الیه را به قائم‌مقامی ناقل، عهده‌دار تأدیه قسمتی از مبلغ اسمی سهم بانام که پرداخت نشده، نموده و هرگونه نقل و انتقال را بدون رعایت شرایط مزبور، باطل اعلام داشته است. بنظر میرسد، رعایت همین شرایط، در موردیکه دارنده سهم، آن را با هبه غیر معوض به دیگری واگذار می‌نماید، نیز الزامی باشد. زیرا، اطلاق عبارت «هرانتقالی که بدون رعایت شرایط فوق بعمل آید... فاقد اعتبار است» شامل هبه و هر نوع واگذاری اختیاری از راه بیع یا از طریق عقد صلح و واگذاری غیراختیاری (قهری) مانند ارث، میگردد. همچنین رهن اینگونه سهام نیز مشمول همین حکم است.

در شرکت سهامی خاص ممکن است فروش سهام بانام، موکول به موافقت هیئت مدیره یا مجمع عمومی باشد ولی به موجب ماده (۴۱) لایحه اصلاحی، در شرکتهای سهامی عام، نقل و انتقال سهام نمی‌تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت و یا مجمع عمومی صاحبان سهام باشد.

شایان ذکر است که شرکت سهامی خاص، نمی‌تواند سهام خود را جهت

پذیره‌نویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانکها عرضه نماید یا به انتشار آگهی و اطلاعیه یا هر نوع اقدام تبلیغاتی به منظور فروش سهم خود مبادرت کند مگر اینکه از مقررات مربوط به شرکت سهامی عام تبعیت نماید، به این معنی که تبدیل به شرکت سهامی عام گردد که این مسأله، مستلزم رعایت تشریفات قانونی است.

ورقه سهم محرز می‌گردد. زیرا، مطابق ماده (۳۹) لایحه فوق، سهم بی نام بصورت سند در وجه حامل^۲ تنظیم، و ملکی دارنده آن شناخته می‌شود.^۳ مگر خلاف آن ثابت گردد. مطابق ماده مذکور، در این قبیل اسناد، مدیون باید در صورت رسیدن مدت، وجه آن را به هر کس که سند را ارائه داد، بپردازد. مع ذلک در موارد زیر، تأدیه آن انجام

نحوه خرید و فروش سهام بی نام با سهام با نام متفاوت است و هر کدام از سهام ممتاز، انتفاعی و تضمینی به منظور خارجی، صادر می‌گردند

۲- سهام بی نام و نحوه خرید و فروش و واگذاری آن: سهم بی نام، برخلاف سهم بانام، ورقه‌ای است که نام و مشخصات دارنده آن در ورقه و در دفتر ثبت سهام شرکت درج نگردیده باشد. مطابق ماده (۳۹) لایحه اصلاحی قانون تجارت، گواهینامه موقت سهام بی نام نیز، در حکم سهام بی نام می‌باشد.^۱

نمی‌گردد: ۱- هرگاه خلاف مالکیت دارنده سند در دادگاه، ثابت شده باشد. ۲- زمانیکه مقامات قضایی تأدیه وجه آنرا منع نموده باشند. ۳- هرگاه دارنده سند، حاضر به تسلیم سهام نشود. زیرا، تأدیه در مقابل اخذ سند به عمل می‌آید، مگر اینکه مالک سند، سند خود را مفقود نموده و دادگاه حکم ابطال سند مفقود را صادر نموده باشد.

از لحاظ سرعت در نقل و انتقال سهام و مالکیت اینگونه سهام با دردست داشتن

۱- مطابق ماده (۲۷) لایحه اصلاحی، تا زمانیکه اوراق سهام صادر نشده است شرکت باید به صاحبان سهام، گواهینامه موقت سهم بدهد (در صورتیکه تمام مبلغ اسمی سهم پرداخت شده باشد، گواهینامه موقت سهم بی نام صادر می‌گردد و الا به تعهد کننده، گواهینامه موقت بانام داده می‌شود) که معرف تعداد و نوع سهام و مبلغ پرداخت شده آن می‌باشد. این گواهینامه در حکم سهم است ولی در هر حال ظرف مدت یکسال پس از پرداخت تمام مبلغ اسمی سهم، باید ورقه سهم صادر و به صاحب سهم تسلیم و گواهینامه موقت سهم مسترد و ابطال گردد.

۲- سند در وجه حامل، سندی است که دارنده آن محق در وصول وجه آن است، همچنین نقل و انتقال آن، با قبض و اقباض (دادن و گرفتن) صورت می‌گیرد.

۳- مبنای این حکم، ماده (۳۵) ق.م.ا است که می‌گوید: «تصرف بعنوان مالکیت دلیل مالکیت است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود».

تسهیل در تجارت آن، سهام بی نام بهتر از سهام بانام است زیرا، مطابق ماده (۳۹) لایحه اصلاحی، نقل و انتقال اینگونه سهام، با قبض و اقباض انجام میگیرد و لذا هیچگونه تشریفات برای آن وجود ندارد. با این توضیح، اگر کسی بخواهد سهام بی نام خود را بفروشد، کافی است که قیمت آن را دریافت و سهم را مانند اسکناس^۱ تسلیم نماید.

اغلب بی نام هستند و اشخاصی که مایل باشند با خرید و فروش سهام، تجارت نموده استفاده ای بدست آورند، در معامله اینگونه از سهام شرکت میکنند.^۲

سهام بی نام و بانام، در تمام مراحل دارای یک ارزش می باشند و دارندگان آنها در نفع و ضرر و استفاده از شرکت یکسانند.

۳- سهام ممتاز و تأثیر آن در فعالیت شرکت: ماده (۴۲) لایحه اصلاحی قانون

سهام با نام، سهمی است که نام و مشخصات صاحب آن در ورقه سهم و در دفتر ثبت سهام شرکت درج گردیده است و سهم بی نام ورقه ای است که نام و مشخصات دارنده آن در ورقه و در دفتر ثبت سهام شرکت درج نگردیده باشد.

سهام درید هر کسی مشاهده شود، به شرط آنکه تصرف او بعنوان مالکیت باشد، دارنده آن محسوب، و میتواند از منافع شرکت استفاده نموده و در مجامع عمومی به عنوان دارنده سهم وارد شود و در موقع انحلال شرکت نیز، در دارائی آن سهمیم باشد. مگر اینکه شخص دیگری در دادگاه ثابت کند که سهم متعلق به اوست و دارنده به ناحق آنرا در تصرف دارد. نقل و انتقال سهام بی نام که با قبض صورت میگیرد ممکن است از طریق بیع، یا به نحوی از انحاء مانند هبه، صلح، ارث و... انجام پذیرد. سهامی که در بورسها معامله میشوند،

تجارت اعلام می دارد: «هر شرکت سهامی می تواند بموجب اساسنامه و همچنین تا موقعیکه شرکت منحل نشده است، طبق تصویب مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام، سهام ممتاز ترتیب دهد. امتیازات اینگونه سهام و نحوه استفاده از آن باید بطور وضوح تعیین گردد. هرگونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده^۳ شرکت با جلب موافقت نصف بعلاوه یک دارندگان اینگونه سهام انجام گیرد».

بنابراین سهام ممتاز، سهام استثنائی است^۴ و زمانی قابل انتشار می باشد که

۱- گرچه اسکناس نیز از نظر نقل و انتقال، مانند سند در وجه حامل بوده و هیچگونه تشریفات در معامله آن، اعمال نمی شود لکن، بموجب ماده (۳۳۴) قانون تجارت، مقررات مربوط به اسناد در وجه حامل، شامل اسکناس نمی گردد.

۲- محمد علی عبادی، پیشین، ص ۸۹؛ همچنین، اعظمی زنگنه، پیشین، ص ۱۰۱.

سهام ممتاز، سهام استثنائی است و زمانی قابل انتشار می‌باشد که اساسنامه شرکت اجازه انتشار آن را داده باشد و یا مجمع عمومی فوق العاده آنرا تصویب نماید. مطابق تبصره (۲) ماده (۲۴) لایحه اصلاحی: در صورتیکه برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات قانون مزایایی قائل شوند، اینگونه سهام، سهام ممتاز نامیده میشوند»

سهام مزبور دارند و نیز، تغییرات آن در صورت جلسه مجمع عمومی قید میشود. از جمله امتیازاتی که به این سهام داده میشود، این است که مثلاً، دارندگان آن نصف قیمت اسمی را میپردازند، و یا دو برابر سهام عادی سود می‌برند و یا در موقع انحلال شرکت قبلاً مبلغ اسمی آنها پرداخته میشود. وبالجمله مزایایی که شرکت را از نظر مادی و معنوی تقویت می‌نماید. اما باید دانست که قیمت اسمی اینگونه سهام از سایر سهام تجاوز نخواهد نمود.

بطور مثال، اگر شرکتی احتیاج فوری به افزایش سرمایه و یا نیاز به راهنمایی و استفاده از اشخاص بصیر و کارشناسان اقتصادی داشته باشد، ممکن است سهامی

اساسنامه شرکت اجازه انتشار آن را داده باشد و یا مجمع عمومی فوق العاده، آنرا تصویب نماید. در تبصره (۲) ماده (۲۴) لایحه اصلاحی مقرر گردیده: «در صورتیکه برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات قانون، مزایایی قائل شوند، اینگونه سهام، سهام ممتاز نامیده میشود». در مورد علت انتشار اینگونه سهام، باید گفت گاهی شرکت احتیاج به تشریک مساعی افراد بصیر و متخصص جهت گسترش فعالیت کمی و کیفی تولیدات و یا ازدیاد سرمایه داشته، که در شرایط عادی امکان جلب چنین افرادی یا چنین سرمایه‌ای در بین نباشد، در این صورت سهام ممتاز با تصویب مجمع عمومی فوق العاده ترتیب داده میشود. امتیازاتی که

۳- مجمع عمومی فوق العاده، عبارت از همان مجمع عمومی صاحبان سهام است که در موارد فوق العاده به منظور تصمیم‌گیری در مسائل استثنایی و غیر عادی مانند تمدید مدت شرکت، ازدیاد سرمایه، صدور اوراق قرضه و انحلال شرکت، تشکیل میگردد. علت اینکه این مجمع را فوق العاده نامیده‌اند، اختیارات فوق العاده آن است. بموجب ماده (۸۴) لایحه اصلاحی، در مجمع عمومی فوق العاده باید دارندگان بیش از نصف سهام که حق رأی دارند حاضر باشند و تصمیمات مجمع عمومی مذکور در هر حال با اکثریت دوثلث آراء حاضرین معتبر خواهد بود.

۴- با توجه به اینکه سهام ممتاز، سهام استثنائی است و معمولاً زمانی که شرکت احتیاج به افراد متخصص و کاردان داشته باشد، اقدام به انتشار اینگونه سهام می‌نماید و در نتیجه دارندگان آن می‌توانند از مزایای مربوط استفاده کنند، لذا اینگونه سهام باید بانام و دارنده آن مشخص باشند، در غیر اینصورت، صاحب سهم، فردمعینی نبوده و امکان استفاده از تخصص مورد نظر، وجود ندارد و غرض از انتشار سهام مزبور، نقض میگردد.

منتشر نماید که دارندگان آن قبلاً ۵ درصد از منافع شرکت را دریافت نموده و برای بار دوم نیز از بقیه منافع، مانند سایر سهامداران شرکت استفاده نمایند و یا در صورت انحلال شرکت ابتدا، قیمت اسمی سهام ممتاز پرداخت، و بقیه دارائی شرکت، به صاحبان سهام عادی داده شود و یا دارندگان چنین سهامی (ممتاز) در مجامع عمومی عادی برای هر یک سهم، حق دورای، یا بیشتر داشته باشند.

شایان ذکر است که کلیه سهام شرکت را نمی‌توان ممتاز دانست. زیرا، در این صورت هیچ کدام از سهام برد دیگری رجحان نداشته و عادی محسوب میشوند. سهام ممتاز ممکن است در چند مرحله، منتشر شده و دارای چند نوع باشد. مثلاً ممکن است شرکت، یک، سری سهام ممتاز داشته باشد که فقط ۵ درصد از منافع را، بیش از سایر سهام برد و از سوی دیگر، علاوه بر منافع، در دارائی شرکت در زمان انحلال، حق تقدم داشته باشد. معمولاً در این قسم سهام، ردیف ممتاز هر یک جدا بوده و به علامت الف یا ب یا علامت دیگر مشخص میشوند و در ذیل هر یک از سهام، امتیازی که برای آنها معلوم شده، چاپ میشود.^۱

۴- سهام انتفاعی و مؤسس: این دو نوع سهم، در قانون تجارت ایران پیش بینی نشده‌اند، اما در مورد مزایائی که ممکن است مؤسسين شرکت، برای خود منظور دارند، اشاره گردیده است. بطور مثال در ماده (۹) لایحه اصلاحی قانون تجارت، یکی از مواردی که ذکر آن در طرح اعلامیه پذیره نویسی^۲ اجباری اعلام گردیده، موردی است که مؤسسين، مزایائی برای خود در نظر گرفته باشند که در این صورت باید چگونگی و موجبات آن مزایا به تفصیل ذکر شود.

همچنین مطابق ماده (۷۶) لایحه مزبور، در صورتی که مؤسسين برای خود مزایائی مطالبه کرده باشند، باید توجیه آن، به ضمیمه گزارش مزبور، به مجمع عمومی مؤسسين^۳ تقدیم گردد.

همانگونه که ملاحظه میشود، سهم مؤسس، مخصوص مؤسسين بوده که معمولاً بابت اطلاعات علمی و فنی و تجارتي که به شرکت می‌آورند، به خود تخصیص میدهند. سهم انتفاعی، سهمی است که دارنده آن، تنها در منافع شرکت، شریک است ولی از سرمایه شرکت در موقع تقسیم، هنگامی سهم می‌برد که سرمایه دارندگان سهام پرداخت شده باشد، زیرا دارندگان اینگونه سهام

۱- محمدعلی عبادی، پیشین، ص ۹۰.

۲- پذیره نویسی، تعهد پرداخت قیمت سهام است که از ناحیه اشخاص (اعم از حقیقی یا حقوقی) بعمل می‌آید.

۳- مجمع عمومی مؤسس که قبل از تشکیل قطعی شرکت سهامی عام و در تمام مدت شرکت، فقط یکبار تشکیل میشود، مرکب از کلیه مؤسسين و پذیره نویسان خواهد بود. هدف از تشکیل مجمع مذکور، این است که شرکت با رعایت اصول و قوانین مربوطه بطور صحیح تشکیل شده، موجب اطمینان و اعتماد شرکاء گردد.

سهام انتفاعی و مؤسس، سهامی هستند که دارندگان آن تنها در منافع شرکت شریک می‌باشند و هیچگونه حقی در سرمایه شرکت ندارند. با این وجود، زمانی می‌توانند از سرمایه شرکت در موقع تقسیم استفاده نمایند که قبلاً سرمایه دارندگان سهام پرداخت شده باشد.

سهام، به نسبت سهم آنان، تسلیم می‌گردد.^۲ بنظر میرسد، اساسنامه شرکت بایستی حقوق صاحبان سهام مؤسس و انتفاعی را از قبیل حق حضور در مجامع، حق رأی و... تصریح نماید.

۵- سهام وثیقه یا تضمینی مدیران: چون در شرکتهای سهامی، مدیران از بین صاحبان سهام انتخاب میشوند، لذا طبق ماده (۱۱۴) لایحه اصلاحی، تعداد سهامی که باید مدیران، بعنوان وثیقه یا تضمین بسپارند، در اساسنامه شرکت تعیین می‌گردد و بهر حال تعداد اینگونه سهام نباید از تعداد سهامی که به موجب اساسنامه، جهت دادن رأی در مجامع عمومی لازم است، کمتر باشد.^۳ سهام مزبور برای تضمین خساراتی می‌باشد که ممکن است از تقصیرات مشترک یا انفرادی مدیران، به شرکت وارد آید.^۴

سهام وثیقه مدیران بانام بوده و غیر قابل انتقال است و تا وقتی که هر مدیر

سهام مؤسس، از آنجا که هیچگونه حقی در سرمایه شرکت ندارند بنابراین نباید از حقوقی، مساوی با سایر سهامداران برخوردار باشند. از اینرو، ابتدا از سود قابل تقسیم شرکت، قبلاً بهره ثابت سهام به سایر سهامداران پرداخت میشود و مابقی سود مزبور، بین صاحبان سهام سرمایه و سهام انتفاعی و مؤسس طبق توافق قبلی، تقسیم می‌گردد.^۱

صدور سهم انتفاعی در مواقعی است که شرکت امتیازی در مورد دایر کردن پاره‌ای از صنایع و یا انجام اعمال تجارتي خاص را از دولت تحصیل کرده و شرط شده باشد که در پایان مدت شرکت، دارائی آن به دولت واگذار شود. در این حالت ممکن است شرکت منافع زیادی بدست آورده باشد و بخواهد منافع حاصله را که زاید بر سرمایه است مستهلک سازد. در این مورد بجای اینکه منافع، بر سرمایه شرکت افزوده شود، تبدیل به سهام انتفاعی می‌گردد و به صاحبان

۱- از آنجا که دارندگان سهام انتفاعی و مؤسس، در سرمایه شرکت شریک نمی‌باشند، لذا بانام ویایی نام بودن سهام آنها، منتفی است. البته مزایا و منافع مربوطه، اختصاص به افراد معینی خواهد داشت.

۲- حسینی کاتبی، پیشین، ص ۶۵.

۳- برای ایجاد حق رأی، اساسنامه میزان سهم لازم را معین می‌سازد که ممکن است یک سهم و یا تعداد بیشتری باشد. همچنین اساسنامه تعداد سهام تضمینی مدیران را مشخص می‌کند که در هر صورت نباید کمتر از تعداد سهام لازم برای دادن رأی در مجمع عمومی باشد.

مفاد حساب دوره تصدی خود را دریافت نداشته، سهام مزبور در صندوق شرکت بعنوان وثیقه باقی خواهد ماند.

چنانچه مدیر، هنگام انتخاب به این سمت، مالک تعداد سهام تضمینی لازم نباشد و همچنین در صورت انتقال قهری سهام مزبور و یا افزایش یافتن تعداد سهام لازم بعنوان وثیقه، مدیر باید ظرف مدت یکماه تعداد سهام وثیقه مورد لزوم را تهیه و به صندوق شرکت بسپارد و الا مستعفی خواهد شد.^۱

همانگونه که ملاحظه میشود، قانونگذار برای جلب اعتماد و اطمینان شرکاء و سهامداران، مدیران شرکت را موظف به سپردن سهامی به عنوان وثیقه یا تضمین نموده است تا چنانچه ضرری از سوی آنان، بر شرکت و یا اشخاص ثالث وارد گردید، از محل سهام مزبور تا میزانی که ممکن است، جبران گردد. بنابراین وجود اینگونه الزامات، نقش مهمی در خرید سهام از سوی اشخاص و نیز دقت در انجام وظایف محوله

از سوی مدیران را، ایفاء می نماید.

ممکن است گفته شود که این تضمین آنچنان که باید، مفید و جوابگوی خسارات احتمالی وارده نیست. زیرا، اگر در نتیجه سوءعمل مدیران، لطمه ای به شرکت وارد آید، ارزش این وثیقه نیز تنزل می یابد. در جواب می توان گفت، بدیهی است که هر قدر وثیقه از مدیران خواسته شود، ممکن است ضرر وارده بیشتر از آن بوده و تکافو ننماید ولی منظور قانونگذار این است که وثیقه ای جهت جریمه کردن مدیر مسئول، در دست باشد و او البته سهام را به قیمت اصلی خریداری نموده و در صورت تنزل، از دو جهت ضرر خواهد دید؛ یکی از جهت پایین آمدن قیمت سهامش و دیگر اینکه، آنچه نیز باقی می ماند، جریمه او در مقابل شرکت خواهد بود.^۲

۶- سهام نقدی و غیرنقدی: سهم نقدی عبارت از سهمی است که وجه آن، نقداً توسط شخص، پرداخت میشود و بدین ترتیب سهم مزبور، به وی واگذار میگردد. بخش

۴- مسئولیت مدیران در صورتیکه مربوط به اداره شرکت و تصمیماتی باشد که در هیئت مدیره اتخاذ کرده اند، اشتراکی است. زیرا، تصمیمات آنها یا به اتفاق خواهد بود یا به اکثریت ولی با اطلاع سایرین. بنابراین، نمی توان بعضی را مسئول و برخی دیگر را مبرا دانست. ولی هرگاه یکی از مدیران در اعمال خلاف اختیارات سایرین، دخالت نداشته و مخالفت خود را رسماً اعلام نموده باشد مسئولیت جزائی و حقوقی از او سلب خواهد شد. این معنی، ضمن ماده (۲۹۸) لایحه اصلاحی، تصریح شده است.

مسئولیت انفرادی، زمانی ایجاد میشود که یک یا چند نفر از مدیران در خارج از هیئت مدیره به نام شرکت اقدامی بنمایند که باعث ضرر شرکت گردد. در این صورت، اقدام کننده در قبال شرکت و اشخاص ثالث مسئول خواهد بود.

۱- کریم کیائی، حقوق بازرگانی، چاپ سوم، (بی جا: بی نا، ۱۳۵۴) ص ۱۵۸.

۲- عبدالحمید اعظمی زنکنه، حقوق بازرگانی، چاپ چهارم (بی جا: بی نا، ۱۳۵۳) ص ۱۳۲.

سهام تضمینی یا وثیقه، برای تضمین خساراتی است که از تقصیرات مشترک یا انفرادی مدیران، ممکن است به شرکت وارد آید. ولذا تعداد سهامی که باید مدیران بعنوان وثیقه یا تضمین بسپارند، در اساسنامه شرکت تعیین میگردد.

ارزیابی شده و نظریه کتبی کارشناس به مجمع عمومی ارائه شود. «مجمع عمومی نمی‌تواند آورده‌های غیرنقد را بیش از آنچه از طرف کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده است، قبول کند».

هرچند، تشکیل مجمع عمومی مؤسس، در شرکتهای سهامی خاص الزامی نمی‌باشد، ولی هرگاه شرکاء آورده غیرنقدی داشته باشند، جلب نظر کتبی کارشناس وزارت دادگستری حتمی است و شرکت نمی‌تواند آورده‌های غیرنقد را به مبلغی بیش از ارزیابی کارشناس مزبور، قبول نماید.

ج - تبدیل سهام و تأثیر آن بر حقوق سهامداران

پس از تشکیل شرکت و شروع به عملیات، ممکن است نظر به مصالحی، سهام بانام و بی‌نام به یکدیگر تبدیل شوند. این تبدیل به شرطی پذیرفته میشود که اساسنامه شرکت اجازه آن را داده باشد و الا مجمع عمومی فوق‌العاده، اساسنامه را تغییر داده و اجازه تبدیل سهام به یکدیگر را، در اساسنامه می‌گنجاند.

۱- تبدیل سهام بی‌نام به سهام بانام: زمانی که شرکت بخواهد، بجهت مصالح

عمده سرمایه شرکتهای سهامی، وجه نقد است که از طریق خریداران سهام تأمین میشود.

سهم غیرنقدی، سهمی است که شرکاء در ازاء وجه آن، مال یا امتیاز یا عملی را به شرکت واگذار می‌نمایند. بدین ترتیب، مال یا امتیاز یا عملی که شرکاء در ازاء قیمت سهام ابتیاعی می‌پردازند، سرمایه غیرنقدی شرکت را تشکیل میدهد؛ مثلاً، ممکن است در شرکتی که موضوع آن تجارت پنبه می‌باشد، شخصی یک کارخانه پنبه پاک کنی به ارزش یک میلیون ریال تسلیم و در مقابل، صد سهم ده هزار ریالی قبول نماید و یا در شرکتی که به استخراج سرب مشغول است در ازاء امتیاز استخراج معدن سرب که متعلق به یکی از شرکاء بوده و کارشناس رسمی، آن را به دو میلیون ریال تقویم نموده است. دویست سهم ده هزار ریالی بانام داده شود. بنابراین مال یا امتیاز، دارای ارزش و جزء سرمایه شرکت است و این معنی در تبصره ماده (۶) لایحه اصلاحی تصریح شده است.

در صورتیکه بعضی از مؤسسين در ابتدای تشکیل شرکت، آورده غیرنقدی داشته باشند (مانند زمین، امتیاز و یا کارخانه) باید قبل از تشکیل مجمع عمومی مؤسس، غیرنقد مزبور بوسیله کارشناس رسمی وزارت دادگستری

سهام، مربوط به شرکتهای سهامی خاص باشد، از طریق حراج فروخته شوند. آگهی حراج نیز مطابق ماده (۴۵) لایحه مذکور «حداکثر تا یک ماه پس از انقضای مهلت شش ماه مذکور، فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد منتشر خواهد شد. فاصله بین آگهی و تاریخ حراج حداقل ده روز و حداکثر یکماه خواهد بود. در صورتیکه

اقتصادی، شرکاء خود را بشناسد، می‌تواند سهام بی نام را، که معلوم نیست در دست چه اشخاصی می‌باشد، به سهام بانام تبدیل کند. چون، این قبیل سهام در دست اشخاص متفرقه بوده و شرکت از هویت و محل اقامت آنها اطلاع ندارد. از این جهت قانون تشریفات و مهلت نسبتاً زیادی برای آن قائل شده، تا حقی از کسی تضییع نگردد. در این مورد بموجب ماده (۴۴) لایحه اصلاحی

سهام نقدی، عبارت از سهمی است که وجه آن، نقداً توسط شخص، پرداخت میشود و سهم غیرنقدی سهمی است که شرکاء در ازاء وجه آن، مال یا امتیازیا عملی را به شرکت واگذار می‌نمایند.

در تاریخ تعیین شده تمام یا قسمتی از سهام بفروش نرسد حراج تا دو نوبت، طبق شرایط مندرج در این ماده، تجدید خواهد شد». اگر تعدادی از سهام مزبور، پس از تجدید حراج به فروش نرسد، باید سهام بانام مزبور در شرکت باقی بماند تا هر موقع دارندگان سهام بی نام مراجعه کردند و خسارتهای مربوط را پرداختند، به آنان تحویل گردد.

در صورتی که سهام بفروش برسد، پس از کسر هزینه‌های مترتبه (از قبیل: هزینه آگهی و حق الزحمه کارگزاران بورس و غیره) مازاد آن توسط شرکت در حساب بانکی، سپرده میشود. در صورتی که تا ده سال، دارندگان سهام بی نام مراجعه نمودند، باقیمانده به آنها پرداخت می‌گردد و الا در حکم مال بلاصاحب بوده و مطابق ماده (۴۶) لایحه اصلاحی، باید از طرف بانک و یا با

«باید مراتب در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد، سه نوبت، هریک به فاصله پنج روز، منتشر و مهلتی که کمتر از شش ماه از تاریخ اولین نشر آگهی نباشد به صاحبان سهام داده شود تا جهت تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند. در آگهی تصریح خواهد شد که پس از انقضای مهلت مزبور کلیه سهام بی نام شرکت باطل شده تلقی می‌گردد».

مسلم است در صورت عدم مراجعه دارندگان سهام بی نام، ورقه سهم آنها باطل شده و شرکت باید سهام جدید بانام صادر نماید و سپس در مورد شرکتهای سهامی عام، در صورت پذیرفته شدن در بازار بورس، باید سهام مزبور را در بورس اوراق بهادار و در صورتی که در بورس پذیرفته نشوند و یا اینکه

اطلاع دادستان محل به خزانه دولت منتقل گردد.

۲- تبدیل سهام بانام به سهام بی نام: تبدیل سهام بانام به بی نام از تشریفات کمتری برخوردار است. زیرا، انتقال سهام با نام و یا تغییرات مربوط به آن، در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت میرسد. بنابراین حتی در صورت عدم اطلاع سهامدار بانام، شرکت می‌تواند، رأساً سهام بی نام برای شخص ذینفع - با توجه به تعداد سهامش - صادر نماید. تبدیل سهام بانام به بی نام، موقعی اتفاق می‌افتد که شرکت بعلت عدم تأدیه کل قیمت سهام، ناچار بوده سهام بانام منتشر نماید و بعداً که تمام قیمت آن پرداخت گردیده، برای تسهیل در فروش سهام، قصد دارد سهام خود را به بی نام تبدیل نماید.^۱ برای اینکه تمام دارندگان سهم از تصمیم شرکت مطلع شوند، باید این تصمیم، فقط یک نوبت آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای مربوط به شرکت در آن منتشر می‌شود، درج و مهلتی که کمتر از دو ماه نباشد به صاحبان سهام داده شود تا برای تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند. پس از انقضای مهلت مذکور، برابر تعداد سهامی که تبدیل نشده است سهام بی نام صادر و در مرکز شرکت

نگاهداری می‌شود تا هر موقع که دارندگان سهام بانام مراجعه نمودند، سهام بانام آنان اخذ و باطل و سهام بی نام به آنها داده شود (ماده ۴۷ لایحه اصلاحی).

باید توجه داشت، که شرکت نمی‌تواند کلیه سهام با نام خود را به سهام بی نام تبدیل نماید، زیرا، بطوری که قبلاً بیان شد مطابق ماده (۱۱۴) لایحه مذکور، سهام مدیران شرکت که به منظور تضمین خسارات احتمالی در صندوق شرکت به عنوان وثیقه سپرده میشود الزاماً باید بانام باشد. در کلیه موارد تبدیل سهام بی نام به سهام بانام و بالعکس، مراتب باید پس از انقضای مهلت‌های مقرر در قانون، به اداره ثبت شرکتها جهت اطلاع عمومی اعلام گردد. ضمناً دارندگان سهام مذکور، چنانچه برابر مواد قانونی مربوطه نسبت به تعویض سهام خود اقدام ننموده باشند، حق شرکت در مجامع عمومی و حق رأی نخواهند داشت.^۲

نتیجه گیری

با عنایت به مطالب مذکور، نتیجه ای که حاصل میشود این است که از میان همه شرکتهای تجاری،^۳ تنها سرمایه شرکتهای سهامی است که بصورت سهام عرضه شده،

۱- عبادی، پیشین، ص ۹۴.

۲- عرفانی، پیشین، ص ۷۵.

۳- شرکت سهامی (عام - خاص) - شرکت با مسئولیت محدود - شرکت تضامنی - شرکت مختلط غیر سهامی - شرکت مختلط سهامی - شرکت نسبی و شرکت تعاونی تولید و مصرف.

تبدیل سهام بانام و به نام و بالعکس یا رعایت تشریفات و مقررات قانون تجارت (لایحه اصلاحی) امکان پذیر است.

سایر شرکتهای بازرگانی و مدنی،^۱ توسعه بیشتری پیدا کرده و نقش مهمتری را در امر تجارت ایفاء می نمایند. بدلیل گستردگی این شرکتهای، سرانجام قانونگذار با تصویب ماده ۳۰۰ در سال ۱۳۴۷، در مورد شرکتهای سهامی و جایگزین نمودن آن، بجای مواد (۲۱) تا (۹۳) قانون تجارت (مصوب ۱۳۱۱) مواد مربوط به شرکتهای سهامی در قانون تجارت را اصلاح نمود. همچنین به علت اهمیت شرکتهای مذکور در انجام عملیات مهم تجاری و غیر تجاری و اصولاً نقش آنها در گردش ثروت و سودآوری - که از خصوصیات برجسته تجارت محسوب

تأمین میشود و نیز از طریق شرکتهای سهامی عام می باشد که عموم اشخاص میتوانند در سرمایه گذاری و تجارت شرکت کرده، فعالیتهای تولیدی و خدمات تجاری را افزایش دهند. بحث مربوط به سهام شرکتهای سهامی و مقررات راجع به شکل، مبلغ، قطعات و انواع سهام، همچنین نحوه واگذاری و معاملات آنها و الزامات قانونی در مورد سهام تضمینی مدیران و سایر مقررات مربوطه، همه بیانگر اهمیت و نقش سرمایه در اینگونه شرکتهای به منظور امر تجارت و انجام خدمات مربوطه می باشد. امروزه، شرکتهای سهامی در مقایسه با

- ۱- مطابق ماده ۵۷۱ قانون مدنی: شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شئی واحد به نحو اشاعه». بنابراین، اگر چند نفر در یک شئی مشترکاً مالک باشند، آنرا مالکیت مشاع و چنین حالتی را «اشاعه» نامند. مثل اینکه پدری فوت کرده و خانه ای برای ورثه باقی مانده است. خانه مزبور ملک مشاع بوده و مادامیکه تقسیم و افزایش بعمل نیامده، ورثه، مالکین مشترک آن هستند. شرکت ممکن است در نتیجه اراده افراد بوجود آید که آنرا اختیاری نامند (مانند تشکیل شرکت از طریق عقد یا قرارداد) و نیز ممکن است بدون اراده بوجود آید که آنرا قهری نامند (مانند تشکیل شرکت از طریق توارث، که ورثه بدون اراده مالک مشترک میشوند). فرق بین شرکتهای تجاری و حقوقی: ۱- شرکتهای تجاری برای امور تجارت تشکیل میشوند در صورتیکه موضوع شرکت مدنی، معاملات غیر-تجارتی است (مانند خرید و فروش اموال غیر منقول). ۲- شرکتهای تجاری بخودی خود دارای شخصیت حقوقی هستند اما شرکتهای مدنی شخصیت حقوقی ندارند ۳- هرگاه شرکت تجاری از عهده پرداخت دیون خود بر نیاید مانند تجار، مقررات ورشکستگی در باره آن اجرا میشود ولی در شرکتهای مدنی، هر شریک به نسبت سهم خود مسئول پرداخت قروض شرکت است و در صورت عدم توانایی بدهی خود، مقررات اعسار در مورد او اجرا میشود. ۴- شرکتهای تجاری مانند تجار دارای تکالیفی از قبیل الزام به داشتن دفاتر تجاری هستند ولی سایر شرکتهای از این وظیفه و سایر وظایف الزامی معاف هستند.

در هر صورت، سهام بانام، بی نام، ممتاز، مؤسس و سهام تضمینی مدیران، هر کدام به نوبه خود در شناخت سهامداران شرکت، تسهیل معاملات، بالا رفتن فعالیتهای تولیدی و خدمات تجارتي، اجر نهادن به زحمات و تلاش مؤسسين و نهايتاً ايجاد اعتماد در خريداران سهام، نقش قابل توجهی را ايفاء می نمایند.

نسبت به ساير شرکتهای تجارتي صادق نمی باشد.

از طرفی، قسمت اعظم معاملات بورس، مربوط به خريد و فروش سهام شرکتهای بويژه سهام بی نام آنها می باشد. سهام بانام، بی نام، ممتاز، مؤسس و سهام تضمینی مدیران، هر کدام به نوبه خود، در شناخت سهامداران شرکت، تسهیل معاملات، بالا رفتن فعالیتهای تولیدی و خدمات تجارتي، اجر نهادن به زحمات و تلاش مؤسسين و نهايتاً ايجاد اعتماد برای خريداران سهام، نقش قابل توجهی را ايفاء می نمایند.

میشود. قانونگذار در ماده (۲) لایحه اصلاحی چنین مقرر نمود: «شرکتهای سهامی، بازرگانی محسوب میشوند ولو اینکه موضوع عملیات آنها امور بازرگانی نباشد». به این معنی که هرگونه معاملات و عملیات خواه بازرگانی باشد یا غیر بازرگانی، در صورتی که از سوی اینگونه شرکتهای (که البته باید مطابق قانون تجارت تشکیل و اداره شوند) انجام گیرد، شرکت تجارتي محسوب و تابع مقررات قانون تجارت خواهد بود. باید توجه داشت، حکم ماده (۲) لایحه مذکور، تنها در مورد شرکتهای سهامی بوده و

فهرست منابع

- ۱- اعظمی زنگنه، عبدالحمید، حقوق بازرگانی، چاپ چهارم، بی جا، بی نا، ۱۳۵۳.
- ۲- حجتي اشرفی، غلامرضا، مجموعه قوانین و مقررات بازرگانی و تجاری، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۶۳.
- ۳- عبادی، محمدعلی، حقوق تجارت، چاپ پنجم تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۸.
- ۴- عرفانی، محمود، حقوق تجارت، دو جلد، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۷، جلد دوم.
- ۵- کاتبی، حسینقلی، حقوق تجارت، تهران: انتشارات کتاب فرزنان، ۱۳۶۳.
- ۶- کیانی، کریم، حقوق بازرگانی، چاپ سوم، بی جا، بی نا، ۱۳۵۴.
- ۷- قانون مدنی ایران.